

دکتر گری یتس، کتاب دوازدهم، جلسه ۲۹ جوئل

گری یتس و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر گری یتس در حال تدریس در مورد کتاب دوازدهم است. این جلسه بیست و نهم در مورد کتاب یوئیل است.

این جلسه بر بسط پیام، زمینه و پیامدهای کتاب یوئیل تمرکز خواهد داشت.

یوئیل یکی از کتاب‌های مورد علاقه من در کتاب دوازدهم است. ممکن است بلافاصله در مورد همه اینها، سوالی برایتان پیش بیاید. چرا ما یوئیل را در میان پیامبران پس از تبعید بررسی می‌کنیم، در حالی که در واقع وقتی به ترتیب و چیدمان کتاب دوازدهم نگاه می‌کنیم، یوئیل دومین کتابی است که در آنجا ذکر شده و به نظر می‌رسد در میان پیامبران آشوری ذکر شده است.

مسئله و بخشی از مشکل اینجاست که تعیین تاریخ کتاب یوئیل چیزی است که بسیار دشوار است، و چیزی است که خود محققان بارها و بارها در مورد آن بحث کرده‌اند، و این کتاب در چندین موقعیت مختلف قرار گرفته است، و تاریخ آن در چندین دوره مختلف در تاریخ اسرائیل ذکر شده است. بر اساس مکان و ترتیب این کتاب در کتاب دوازدهم، محققان پیشین تمایل داشتند که این کتاب را بسیار قدیمی‌تر بدانند، و برخی از مفسران حتی آن را به اوایل قرن نهم قبل از میلاد نسبت داده‌اند. اگر چنین بود، در واقع اولین کتاب از پیامبران کوچک‌تر بود.

برخی دیگر آن را درست قبل از حمله آشوریان تاریخ‌گذاری کرده‌اند. برخی دیگر درست قبل از حمله بابلی‌ها. من فکر می‌کنم هر دوی این احتمالات بسیار واقعی هستند.

این کتاب هشدار است درباره روز آمدن خداوند. هشدار است درباره داوری قریب‌الوقوعی که قرار است بر سر مردم بیاید. من اخیراً مقاله‌ای خواندم که نوشته شدن این کتاب را در دوران تبعید یا اوایل پس از تبعید می‌دانست.

اما روند اخیر، و به نظر من اجماع جدیدتر، این است که ما باید تاریخ کتاب یوئیل را در دوره پس از تبعید قرار دهیم و آن را در جایی در اواخر قرن ششم یا اوایل قرن پنجم قرار دهیم. یک اختلاف نظر وجود دارد و ما نمی‌توانیم به طور کامل یا صریحاً مشخص کنیم که این زمان قطعی نگارش کتاب یوئیل است. اما چندین نکته وجود دارد که ما را به سمت تاریخ‌گذاری در دوره پس از تبعید سوق می‌دهد.

نام یوئیل خارج از کتاب ذکر نشده است. ما از طریق سایر اسناد تاریخی یا کتب تاریخی عهد عتیق، مانند یوئیل نبی یا برخی دیگر از پیامبران، درباره او چیزی نمی‌دانیم. در اینجا هیچ سند تاریخی وجود ندارد که دوره زمانی رسالت این پیامبر را مشخص کند.

در کل، فقدان اظهارات صریح در مورد موقعیت تاریخی واقعی کتاب یا رویدادها یا چهره‌هایی که در زمان انجام رسالت یوئیل حضور داشته‌اند، وجود دارد. با این حال، چند نکته وجود دارد که از ایده موقعیت پس از تبعید برای کتاب پشتیبانی می‌کند. در فصل ۳، آیات ۲ تا ۳، این عبارت را داریم.

من تمام قوم‌ها را جمع خواهم کرد و آنها را به وادی یهوشافاط خواهم آورد و در آنجا به خاطر قوم و میراثم، اسرائیل، با آنها داوری خواهم کرد، زیرا آنها را در میان قوم‌ها پراکنده کرده‌اند و سرزمین مرا تقسیم

کرده‌اند. آنها برای قوم من قرعه انداخته‌اند و پسری را با فاحشه‌ای معامله کرده‌اند و دختری را به شراب فروخته‌اند و آن را نوشیده‌اند. قوم اسرائیل پراکنده شده‌اند.

آنها به تبعید برده شده‌اند. به نظر می‌رسد این با دوره پس از تبعید مطابقت دارد. اگرچه دیگران استدلال کرده‌اند که شاید این مربوط به حمله آشوریان و تبعید آشوریان از پادشاهی شمالی باشد تا پادشاهی جنوبی.

نکته دوم این است که در فصل ۳ آیه ۶ به چگونگی فروش مردم اسرائیل یا یهودا توسط رهبران صور و صیدا و فلسطین به بردگی اشاره شده است. در آنجا آمده است که شما مردم یهودا و اورشلیم را به یونانیان فروخته‌اید تا آنها را از مرزهای خود دور کنید. اشاره به یونانیان در آنجا ممکن است از این ایده پشتیبانی کند که خدمت یوئیل در چارچوب دوره پس از تبعید است.

اگرچه در سالنامه‌ها و کتیبه‌های آشوری نیز به یونانیان اشاره شده است، اما آنها در گذشته با مردم سوریه و فلسطین در ارتباط بوده‌اند. ما واقعاً اطلاعات زیادی در مورد تجارت برده که ممکن است بین سوریه و فلسطین و مردم یونان اتفاق افتاده باشد، نداریم.

این می‌تواند به دوره‌ای قبل‌تر اشاره داشته باشد. به جای اشاره به یونانیان، این می‌تواند صرفاً اشاره‌ای به مردم یونانی‌زبان باشد. در حزقیال فصل ۲۶ آیات ۱۲ و ۱۳، به تجارت برده بین جاوه و صور، یونانیان و صور، اشاره‌ای داریم که مربوط به قرن ششم است.

بنابراین، حتی این اشاره به یونانیان هم واقعاً قطعی نیست. سومین مدرکی که از دوران پس از تبعید پشتیبانی می‌کند این است که ما هیچ اشاره یا ذکری از پادشاهی در اسرائیل یا یهودا نداریم. عجیب به نظر می‌رسد اگر بلافاصله قبل از بحران آشور یا بلافاصله قبل از بحران بابل در مورد آن صحبت کنیم، اما کتاب آنقدر مختصر است که ممکن است لزوماً انتظار نداشته باشیم که در آنجا اشاره‌ای ببینیم.

بنابراین، به همه این دلایل، یوئیل، محتمل‌ترین تاریخ به نظر می‌رسد دوره پس از تبعید باشد، اما این احتمالات دیگر قطعاً وجود دارند. اشاره‌ای به محراب وجود دارد. محراب پابرجاست.

مردم فراخوانده می‌شوند تا در آنجا جمع شوند و به پیشگاه قربانگاه خداوند بیاوند. اگر کتاب یوئیل کتابی مربوط به دوران پس از تبعید باشد، به این معنی است که تاریخ نگارش آن پس از ۵۱۵ قبل از میلاد است، زمانی که مردم در واقع معبد را تکمیل کردند. در فصل ۱، آیه ۱۴، فصل ۱، آیه ۱۶، فصل ۲ و آیه ۱۷ به محراب اشاره شده است و فراخوانی برای یک گردهمایی مقدس وجود دارد.

بنابراین، اگر کتاب یوئیل مربوط به دوران پس از تبعید باشد، و من هم قصد دارم با این رویکرد به آن پردازم، خدمت یوئیل پس از بازسازی معبد در سال ۵۱۵ پیش از میلاد انجام شد. فراتر از آن، نمی‌توانیم قطعی‌تر نظر دهیم. فکر نمی‌کنم در نهایت، این موضوع پیام کتاب را چندان تغییر دهد، چه آن را قبل از تبعید بخوانیم و چه بعد از تبعید.

اما اجماع عمومی این است که این کتاب مربوط به دوران پس از تبعید است. بنابراین، با توجه به این موضوع، بیا بید کمی تأمل کنیم و تاریخ دوره پس از تبعید را مرور کنیم. به یاد داشته باشید که مردم در سال‌های ۵۳۸ و ۵۳۷ پیش از میلاد در نتیجه فرمان کوروش و انتقال قدرت از بابلی‌ها به پارس‌ها به سرزمین خود بازمی‌گردند.

بازگشت در سه مرحله انجام خواهد شد. اولین بازگشت به رهبری زروبابل و یوشع خواهد بود. آنها در نهایت از طریق خدمت و تشویق حجی و زکریا، ۵۲۰ تا ۵۱۵، معبد را بازسازی خواهند کرد.

خدمت یوئیل پس از آن می‌آید. ما بازگشت دوم را داریم که در زمان عزرا در سال ۴۵۸ قبل از میلاد اتفاق می‌افتد. سپس بازگشت سوم را در زمان نحمیا در سال ۴۴۵ قبل از میلاد داریم.

ما در اینجا کمی حدس می‌زنیم و خدمت یوئیل را یا در پایان قرن ششم پس از ساخت معبد یا در اوایل قرن پنجم قبل از بازگشت دوم تحت عزرا و نحمیا قرار می‌دهیم. حال، او در مورد آمدن روز خداوند و این واقعیت که طاعون ملخ بر مردم یهودا نازل شده و زمین را ویران کرده است، صحبت می‌کند. اما او همچنین در مورد چیزی صحبت می‌کند که به نظر می‌رسد ارتش دشمن است که به عنوان مجازاتی از جانب خدا قصد حمله به یهودا را دارد.

این روز خداوند خواهد بود. روز خداوند در راه است. شما باید برای آن آماده شوید.

شما باید توبه کنید. باید با خدا روراست باشید وگرنه این احتمال وجود دارد که خدا داوری بیشتری را نازل کند. در سال ۴۹۰ قبل از میلاد، ما نبرد بسیار مهمی در تاریخ داریم.

ما نبرد بین ایرانیان و یونانیان را داریم که در ماراتن رخ می‌دهد. در واقع شما با نوعی مبارزه عظیم بین غرب و شرق روبرو هستید. اگر یوئیل در مورد احتمال حمله ارتش دشمن هشدار می‌دهد، من در مورد این احتمال که آیا این امر به نحوی با حرکات ایرانیان یا یونانیان در رابطه با این درگیری بزرگ که در سال ۴۹۰ قبل از میلاد رخ می‌دهد، مرتبط است، کنجکاوم.

بنابراین، ایده کلی و نوع جدول زمانی اساسی که ما برای این موضوع در نظر خواهیم گرفت این است که خدمت یوئیل در حدود سال ۵۰۰ قبل از میلاد رخ می‌دهد. پس از بازسازی معبد، پس از بازگشت مردم به سرزمین، و به نوعی، توبه رخ می‌دهد؛ در سال‌های ۵۲۰ یک احیای معنوی رخ می‌دهد که در آن مردم خود را دوباره به خداوند متعهد می‌کنند. آنها به موعظه‌های حجی و زکریا پاسخ می‌دهند، اما توبه کامل نمی‌شود.

زمانی که به خدمت یوئیل می‌رسیم، مردم در موقعیت دیگری قرار گرفته‌اند که با داوری خدا روبرو هستند درست مانند زمان یوشیا که این بیداری مذهبی وجود دارد، این بازگشت به پرستش خالص نیز وجود دارد و خدا یوشیا را برکت می‌دهد و مردم از داوری رهایی می‌یابند. به یاد داشته باشید که خیلی طول نمی‌کشد که مردم به روش‌های بت‌پرستانه خود بازگردند.

سپس در نهایت تبعید اتفاق خواهد افتاد و اورشلیم در سال ۵۸۶ نابود خواهد شد. ما با توجه به تبعید فکر می‌کنیم که مردم سرانجام به جدیت عهد خود در مورد وفاداری به خداوند پی خواهند برد. اگر چیزی می‌توانست گناه و عصیان و عهد آنها در مورد وفاداری را درمان کند، به نظر شما آن تبعید خواهد بود.

با این حال، وقتی به سرزمین خود بازمی‌گردند، به نوعی از خداوند دور می‌شوند. آنها بلافاصله معبد را بازسازی نمی‌کنند و زکریا و حجی باید آنها را به ایمان و وفاداری دعوت کنند. آنها برای مدت کوتاهی وفادار می‌مانند و سپس فراز و نشیب ادامه می‌یابد.

در زمان یوئیل، ما دوباره به مکانی نگاه می‌کنیم که خداوند از یک پیامبر برای یادآوری داوری قریب‌الوقوع به مردم استفاده می‌کند. داوری‌ای که در اینجا رخ داده است، آنها به نوعی شروع به تجربه لعنت‌های عهد کرده‌اند. داوری بعدی که بر یهودا نازل خواهد شد این است که خداوند تجلی دیگری از روز خداوند را به ارمغان خواهد آورد.

در تاریخ اخیرشان، آنها طاعون ویرانگر ملخ را تجربه کرده‌اند. این بلا سرزمین را نابود کرده است و خداوند، از این فرصت استفاده کرده تا به مردم یادآوری کند که آنها وفادار نیستند. همانطور که قبل از تبعید نفرین‌های عهد را تجربه کردند، اکنون به جایی بازگشته‌اند که بار دیگر نفرین‌های عهد را تجربه می‌کنند.

پیام یوئیل این است که اگر فکر می‌کنید آفت ملخ که اخیراً تجربه کرده‌اید بد است، منتظر کاری باشید که خدا قرار است انجام دهد، زیرا روز خداوند در راه است. از بسیاری جهات، پیام یوئیل بسیار شبیه پیام صنفیا است که قبلاً به آن پرداخته‌ایم. دلیل اینکه یوئیل، اگرچه احتمالاً یکی از جدیدترین کتاب‌های کتاب دوازده است، در ابتدای کتاب دوازده قرار گرفته است، به دلیل دغدغه‌ها و ایده‌های موضوعی خاصی است که در این کتاب معرفی شده‌اند و قرار است در سراسر کتاب دوازده مطرح شوند.

یوئیل قرار است درباره داوری روز خداوند صحبت کند. این مضمون قرار است در کتاب عوبدیا، کتاب عاموس و کتاب صنفیا ذکر شود. این یک مضمون تکرارشونده خواهد بود.

بنابراین، از نظر موضوعی، می‌توان یوئیل را در ابتدای کتاب و در ابتدای کتاب دوازده حواری قرار داد تا تأکید بر روز دوازدهم را که قرار است تا انتها در این ادبیات ادامه یابد، برجسته و مورد توجه قرار دهد. اکنون مردم یهودا با تجربه دیگری از روز خداوند روبرو هستند. عاموس گفت که آشوریان در حال آمدن هستند.

این روز خداوند است. صنفیا می‌گوید که بابلی‌ها می‌آیند. این روز خداوند است.

یوئیل در مورد چیزی که به نظر می‌رسد، در فصل دوم یوئیل، لشکر دشمن دیگری باشد، هشدار می‌دهد. این روز خداوند است. بنابراین، یوئیل در ابتدای کتاب دوازده قرار گرفته است زیرا این نگرانی‌ها را مطرح می‌کند.

در دوران پس از تبعید، دوران دیگری از بحران ملی فرا رسیده است. مردم درس عبرت نگرفته‌اند. آنها به راه‌های گناه‌آلود خود بازگشته‌اند.

این واقعیت که آنها به سرزمین خود بازگشته‌اند، این احتمال را که خداوند در آینده نزدیک آنها را برای داوری بیشتر به اینجا بیاورد، منتفی نمی‌کند. یکی دیگر از دلایل قرار دادن یوئیل در ابتدای کتاب دوازده رسول این است که این کتاب نمونه‌ای بارز از توبه ملی را نیز در اختیار ما قرار می‌دهد. نکته مثبت خدمت یوئیل این است که وقتی یوئیل آنها را از روز خداوند و داوری قریب‌الوقوع هشدار می‌دهد، مردم آن را جدی می‌گیرند.

در فصل دوم خواهیم دید که به نظر می‌رسد در این کتاب، در نتیجه پیام یوئیل، نوعی روی آوردن به سوی خدا رخ می‌دهد. به همین دلیل، هشدار داوری و هشدار روز خداوند، آن داوری دفع خواهد شد. عاموس هشدار داد که روز خداوند در راه است و داوری دفع نشد.

صنفیا هشدار داد که روز خداوند فرا می‌رسد، و داوری از آن دور نشد. یوئیل درباره داوری که قرار بود خدا بیاورد هشدار داد. مردم واکنش نشان دادند.

آنها با خدا درست رفتار کردند. در ابتدای کتاب دوازده، این جمله آمده است تا بگویید که این همان چیزی است که خدا در نهایت از قوم خود می‌خواست. سپس ناامیدی که هنگام بررسی این دوازده کتاب به وجود می‌آید این است که ما ۴۰۰ سال تاریخ نبوی داریم و نمونه‌های بسیار محدودی از زمان‌هایی که مردم به سوی خدا بازگشته‌اند، داریم.

در ابتدای این داستان، می بینیم که خدا چه می خواست. کتاب یوئیل به کتاب قبل از خود متصل می شود. این کتاب به هوشع نیز متصل می شود زیرا هوشع با دعوت به توبه و بازگشت به سوی خداوند به پایان می رسد.

یوئیل با دعوت مردم به گریه و سوگواری و توبه و درک داوری که خدا بر آنها نازل کرده است، آغاز می شود. کتاب یوئیل به آنچه در کتاب عاموس پس از آن می آید، مرتبط است، زیرا قرار است در مورد غرش خدا مانند شیر و غرش او مانند طوفان صحبت کند. این پیام مقدماتی کتاب عاموس نیز خواهد بود.

به نظر می رسد قرار دادن نام یوئیل در کتاب دوازده حواری، بیشتر جنبه ادبی و موضوعی دارد، و به دلایل پشت آن مربوط می شود تا تاریخی و گاهشماری. بنابراین، این زمینه تاریخی است. طاعون ملخ رخ داده است و داوری بعدی از جانب خدا خواهد آمد و به نظر می رسد همه اینها به نوعی بین بازسازی معبد در سال قبل از میلاد و بازگشت های دوم و سوم تحت حکومت عزرا و نحمیا در اواخر قرن پنجم رخ داده ۵۱۵ است.

بسیار خوب، بیایید به توصیف و پیام روز خداوند و مقدمه آن، یعنی آفت ملخ که قبلاً در سرزمین رخ داده است، نگاهی بیندازیم. یوئیل می خواهد آنها بفهمند که خداوند داوری را بر آنها نازل کرده است، به عنوان هشدار مبنی بر اینکه داوری بیشتری در راه است. آفت ملخ فقط مقدمه ای برای چیست؟ این فقط تیری است که خداوند به کمان انداخته است.

و دوباره، ما ارتباط دیگری بین یوئیل و کتاب عاموس می بینیم که بلافاصله پس از آن می آید. هر دوی این پیامبران بر تهاجم ملخها تمرکز خواهند کرد. و در کتاب عاموس، خدا می گوید، من این ملخها را فرستاده ام. من آنها را فرستاده ام تا به شما هشدار دهند، اما در فصل چهارم، هنوز به سوی من بازنگشته اید.

و بنابراین، در روزگار عاموس، خدا بلای ملخ فرستاد و توجه مردم را جلب نکرد. در یوئیل، خدا بلای ملخ فرستاد و خوشبختانه، توجه مردم را جلب کرد. عاموس همچنین در فصل هفتم، آیات یک تا سه، به بلای ملخ اشاره می کند.

عاموس رؤیای این بلای ملخها را می بیند که قرار است در سراسر سرزمین هجوم آورد. او متوجه تأثیر مخرب آن می شود. او از خدا دعا می کند که مردم را نجات دهد، و خدا منصرف می شود و داوری را نازل نمی کند.

خداوند علیرغم مقاومت آنها در برابر توبه و بازگشت به سوی او، به آنها فرصت دیگری می دهد. بنابراین، به نظر من، دلیل دیگری هم برای نحوه قرار گرفتن یوئیل در ابتدای کتاب وجود دارد که از نظر ادبی مهم است. در فصل اول، ما توصیف بسیار واضحی از واکنش ملی داریم که خداوند می خواهد از سوی قومش در نتیجه این داوری که علیه آنها فرستاد، ببیند.

آیات دو تا چهار این را می گویند، و ما از آیه اول شروع می کنیم، کلام خداوند که به یوئیل نازل شد. و روایت آنچه در حال وقوع است را داریم. ای بزرگان، ای همه ساکنان سرزمین، این را بشنوید، گوش فرا دهید.

آیا چنین چیزی در زمان شما یا پدرانتان اتفاق افتاده است؟ منظوم این است که این یک رویداد بزرگ بوده است. در مورد آن به فرزندانتان بگویید و بگذارید فرزندانتان به فرزندان خود و فرزندانشان به نسل بعدی بگویند. آنها مدت زیادی در مورد این موضوع صحبت خواهند کرد.

و اتفاق که افتاده این است که، آنچه ملخ‌های درنده باقی گذاشته‌اند، ملخ‌های مهاجم خورده‌اند. آنچه، ملخ‌های مهاجم باقی گذاشته‌اند، ملخ‌های جهنده خورده‌اند. و آنچه ملخ‌های جهنده باقی گذاشته‌اند، ملخ‌های ویرانگر خورده‌اند.

و مفسران قرار است در مورد اینکه ما اینجا چهار نام مختلف برای ملخ داریم بحث کنند. آیا ما در مورد چهار نوع و گونه ملخ صحبت می‌کنیم؟ یا در مورد چهار مرحله مختلف رشد و نمو در بین ملخ‌ها صحبت می‌کنیم؟ در نهایت، این موضوع چندان مهم نیست. استفاده از این چهار اصطلاح مختلف برای ملخ، روشی بلاغی برای تأکید بر کامل بودن این دسته، میزان ملخ‌هایی که به زمین حمله کرده بودند و ویرانی‌هایی که آنها بر محصولات کشاورزی و اقتصاد مردم وارد کرده بودند، است.

این مستقیماً داوری از جانب خدا بود. به یاد داشته باشید، تثنیه ۲۸ و لاویان ۲۶، یکی از لعنت‌هایی که خدا علیه شما خواهد فرستاد این است که به جای لذت بردن از برکات زمین، خدا ملخ‌ها را علیه شما خواهد فرستاد و آنها محصولات شما را خواهند خورد. این دقیقاً همان چیزی است که اتفاق افتاده است.

و این چهار اصطلاح مختلف نشان می‌دهند که این اتفاق چقدر می‌تواند ویرانگر باشد. حال، اگر علاقه‌مند به فکر کردن به این هستید که تجربه کردن طاعون ملخ چگونه خواهد بود، وبسایت نشنال جئوگرافیک اطلاعات جالبی در مورد انواع طاعون ملخ که در آفریقا و خاورمیانه رخ می‌دهد، دارد. و آنها این موارد را در دوران عهد عتیق تجربه کرده‌اند.

این چیزی است که هنوز هم بخشی از تجربه مردم آنجا در هجوم ملخ‌ها در افغانستان و تأثیر مخربی که بر محصولات کشاورزی و اقتصاد آن کشور داشت، است. به همین دلیل، این یک بحران سراسری بود. وبسایت نشنال جئوگرافیک این اطلاعات را در اختیار ما قرار می‌دهد.

گفته می‌شود که یکی از این آفت‌های ملخ در خاورمیانه می‌تواند بیش از ۴۵۰ مایل مربع وسعت داشته باشد. این تعداد زیادی ملخ است. یک دسته ملخ می‌تواند بین ۴۰ تا ۸۰ میلیون ملخ را در کمتر از نیم مایل مربع جا دهد.

هر ملخ، و ۴۰ تا ۸۰ میلیون ملخ در نیم مایل مربع، می‌تواند هر روز به اندازه وزن خود غلات یا گیاهان بخورد. بنابراین، این بدان معناست که دسته‌ای با این اندازه می‌تواند روزانه ۴۲۳ میلیون پوند غذا مصرف کند. ما نمی‌دانیم که آیا اندازه دسته ملخ‌هایی که جوئل در مورد آنها صحبت می‌کند به این اندازه است یا خیر، اما ما در مورد تأثیر قابل توجهی صحبت می‌کنیم، نه فقط بر معیشت آنها، بلکه چیزی که می‌تواند موجودیت آنها را تهدید کند.

منظورم این است که این می‌تواند قحطی‌ای را به همراه داشته باشد که می‌تواند مرگ و ویرانی بسیار گسترده‌ای را به همراه داشته باشد. این دسته‌های ملخ همچنین قادر به طی مسافت‌های باورنکردنی هستند. در سال ۱۹۵۴، دانشمندان مستند کردند که دسته‌ای از ملخ‌ها از شمال غربی آفریقا به بریتانیای کبیر پرواز کردند.

و در سال ۱۹۸۸، از غرب آفریقا تا کارائیب. بنابراین، این فقط یک رویداد جزئی نیست. این یک آفت ویرانگر ملخ است.

و این داوری خداست. خدا می‌خواهد مردم جدیدت گناه را درک کنند. و باز هم، اگر می‌خواهید اصل درو کردن و کاشتن را در کتاب مقدس به تصویر بکشید، پیامبران مکان بسیار خوبی برای انجام این کار هستند.

مردم گناه خود را می‌کارند و عواقب حمله نظامی، تبعید و فتح را درو می‌کنند. آنها شرارت می‌کارند و عواقب نابودی کامل سرزمین و محصولاتشان توسط خدا را درو می‌کنند و این همان چیزی است که اتفاق افتاده است. و آنچه در یوئیل فصل ۱ داریم این است که از افراد مختلف در جامعه پس از تبعید دعوت می‌شود تا برای آنچه اتفاق افتاده گریه و سوگواری کنند.

اول از همه، در آیه ۲ خطاب به رهبران آمده است. در آیه ۵ خطاب به کسانی که شراب می‌نوشند آمده است. و آنها بدیهی است که از این موضوع ناراحت خواهند بود زیرا منبع شراب آنها از بین رفته است. در فصل ۱، آیه ۸، کاهنان به سوگواری فراخوانده شده‌اند. یکی از چیزهایی که کاهنان برای آن سوگواری می‌کردند این بود که نابودی این محصولات به این معنی بود که مردم قادر به ارائه غلات و هدایای نوشیدنی که برکت خدا را به ارمغان می‌آورد، نخواهند بود. و بنابراین این امر داوری و فاصله بین خدا و قومش را تداوم می‌بخشد.

فصل ۱، آیه ۱۱، کشاورزان، کسانی که برای امرار معاش خود به این محصولات وابسته هستند، باید سوگواری کنند. و به محصولاتی که ذکر شده است گوش دهید. تاک خشک می‌شود، درخت انجیر پژمرده می‌شود، انار، نخل و سیب و همه درختان مزرعه خشک می‌شوند و شادی از فرزندان آدم رخت برمی‌بندد.

و بنابراین، محصولات مختلفی از بین رفتند و کشاورزان باید در این مورد سوگواری کنند. و بنابراین، همه مردم باید برای آنچه اتفاق افتاده گریه کنند، و در نهایت نه تنها برای یک فاجعه ملی گریه کنند، بلکه باید از این زمان غم و اندوه به عنوان راهی برای ابراز توبه خود به خدا استفاده کنند. بله، شما در از دست دادن این محصولات و غذا و معیشت، چیزی وحشتناک را در سطح فیزیکی تجربه کرده‌اید و یک بحران ملی پیش روی شماست، اما در نهایت باید از گناه خود توبه کنید.

، در آیه ۱۴، یک مجمع مقدس تشکیل دهید و با خدا روراست باشید. و دلیل این امر و هشدار پشت این افسوس برای آن روز است، زیرا روز خداوند نزدیک است و به عنوان نابودی از جانب قادر مطلق، فرا می‌رسد. باشه؟ او نمی‌گوید، ببین، تو همین الان روز خداوند، داوری بلای ملخ را تجربه کردی.

روز خداوند نزدیک است، داوری دیگری در راه است، و بنابراین در فصل ۲ یا در فصل ۱ دعوتی به توبه وجود دارد. آن دعوت به توبه و هشدار دوم در مورد داوری که در راه است، در فصل ۲، آیات ۱ تا ۳ نیز به ما داده شده است. به نحوه شروع آن فصل گوش دهید. در صهیون شیپور بنوازید، در کوه مقدس من آژیر خطر را به صدا درآورید. بنابراین دوباره، ما یا زمان جنگ داریم یا زمان فاجعه، و مردم فراخوانده شده‌اند تا تشخیص دهند که خدا در حال آماده شدن برای انجام کاری است که حتی بدتر از آنچه که آنها تازه تجربه کرده‌اند، است.

و در آیه ۲، یا دوباره در انتهای آیه ۱، این ایده از این داوری که در راه است، روز خداوند است. زیرا روز خداوند در راه است. نزدیک است. باشه؟ پس، آیا ارتباط مستقیم آن را با کتاب صفنیا که اینجا داریم می‌بینید؟ قرار است روزی از تاریکی و ظلمت، روزی از ابرها و تاریکی غلیظ باشد، و قبلاً هرگز چیزی شبیه به آن وجود نداشته است.

بسیار خوب، آب سفید خشم خدا دوباره بر سر مردم ریخته خواهد شد. حال، در آیه ۳، توصیفی از چگونگی آن داوری داریم و این آیه یکی از سوالات و مسائل تفسیری اصلی در کتاب یوئیل را مطرح می‌کند. در اینجا چیزی است که می‌گوید.

این چیزی که او اینجا توصیف می‌کند، شبیه چیست؟ انگار پیامبر دارد برای ما یک آفت ملخ دیگر را توصیف می‌کند. بنابراین، مسئله تفسیری اینجا این است که آیا ما این را به معنای واقعی کلمه می‌خوانیم یا به

صورت استعاری؟ آیا ممکن است فصل‌های ۱ و ۲ صرفاً پیام‌های متفاوتی باشند که هر دو در رابطه با همین حمله ملخ موعظه شده‌اند؟ این یک احتمال است. احتمال دیگر این است که فصل ۲ در حال پیشرفت و حرکت به جلو است و من فکر می‌کنم این احتمال قوی‌تر است و هشدار است برای داوری دیگری که در راه است و موج دوم این هجوم ملخ‌ها که بدتر از حمله و هجومی خواهد بود که آنها قبلاً تجربه کرده‌اند.

بنابراین، ملخ‌ها به مرحله ۲ برمی‌گردند. این موضع و تفسیر دیگری است که به این متن داده شده است. اما من فکر می‌کنم احتمال سوم در اینجا این است که کاری که او انجام می‌دهد، و این واقعاً در هنر و بلاغت و نحوه انجام این کار مؤثر است، این است که او از حمله ملخ‌ها برای به تصویر کشیدن حمله ارتش دشمنی که قرار است به سرزمین بیاید استفاده می‌کند. و این باعث افزایش جدیت قضاوتی می‌شود که قرار است به همراه داشته باشد.

و همانطور که این آفت ملخ از طریق زمین آمده و محصولات را از بین برده و زمین را ویران کرده است، چیزی بدتر در افق است. گروهی از سربازان، به تعداد آفت ملخ، به تعداد ملخ‌ها، به زمین هجوم آورده‌اند، ارتشی که قرار است زمین را به همان اندازه که این ملخ‌ها ویران کردند، ویران کند. فکر می‌کنم این چیزی است که در اینجا در فصل ۲ مد نظر است. حال ممکن است این سوال را مطرح کنید که، خوب، اگر اینطور است، اگر یک ارتش به سادگی در اینجا توصیف می‌شود، یا اگر یک ارتش به صورت استعاری در اینجا توصیف می‌شود، چرا گفته می‌شود که آنها مانند اسب‌های جنگی هستند که می‌دوند، که آنها مانند یک ارتش قدرتمند هستند، یا اینکه آنها مانند جنگجویان یا مانند سربازانی هستند که از دیوار بالا می‌روند؟ خب در زبان عبری، گاهی اوقات می‌تواند برای مقایسه یا تشبیه استفاده as یا like یکی از کاربردهای حرف اضافه شود، اما در مواقع دیگر، می‌تواند برای تأکید بر این باشد که مقایسه دقیقاً شبیه به این است زیرا این هویت چیزی است که توصیف می‌شود. فکر می‌کنم این را در یوئیل، فصل ۲، آیات ۱-۱۵ داریم، وای بر روز خداوند، زیرا روز خداوند نزدیک است، و مانند نابودی یا شبیه نابودی از جانب قادر مطلق می‌آید.

آن آیه صرفاً نمی‌گوید که آفت ملخ مانند هجومی بود که خدا قرار بود بیاورد. بلکه می‌گفت که این ویرانی‌ای بود که خدا می‌آورد. و بنابراین، این مقایسه فقط از روی شباهت نیست؛ بلکه از روی هویت است. و در اینجا، فکر می‌کنم حرف اضافه به همان شکلی استفاده می‌شود که می‌گوید مثل اسب‌های جنگی است، مثل یک ارتش قدرتمند است، مثل جنگجویان است، مثل سربازان است؛ حرف اضافه واقعاً به شکلی شدید استفاده می‌شود تا بگوید، ببینید، این همان چیزی است که واقعاً هست.

و بنابراین، همزمان با ورود این ارتش به سرزمین اسرائیل، این همان چیزی است که در آینده نزدیک با یهودا روبرو خواهد شد. پیامبر به آنها هشدار می‌دهد که اگر پاسخ مناسبی به خدا داده نشود، چه اتفاق خواهد افتاد. و سپس ما فراخوان دیگری برای توبه داریم و چیزی که به نظر من، به نوعی، بخش کلیدی کتاب یوئیل است.

یوئیل فصل ۲ آیات ۱۲-۱۷: با این حال، حتی اکنون، خداوند می‌گوید، با تمام قلب خود، با روزه، با گریه، با ماتم، به سوی من بازگردید، به سوی خداوند، خدای خود بازگردید. و ما به ویژگی‌های خدا که در خروج یافت می‌شود، برمی‌گردیم. او مهربان است، سرشار از عشق پایدار است و از مصیبت‌ها می‌گذرد ۳۴:۶.

اگر آنها به سوی خدا بازگردند، این احتمال وجود دارد که از داوری‌ای که پیامبر به آنها هشدار داده است جلوگیری شود. به یاد داشته باشید، پیامبران صرفاً نمی‌گویند که آینده از این قرار است. آینده از پیش تعیین شده است. آنها سایه‌هایی از آنچه در آینده اتفاق خواهد افتاد را به ما نشان می‌دهند اگر مردم به سوی خدا باز نگردند.

اما همیشه این احتمال وجود دارد، همانطور که در نینوا دیده‌ایم، همانطور که در ارمیا فصل ۱۸ آیات ۷- دیده‌ایم، همانطور که در موعظه میکاه، ارمیا ۲۶-۱۹ دیدیم، همیشه این احتمال وجود دارد که اگر ۱۰ مردم این داوری را جدی بگیرند، خدا ممکن است پشیمان نشود، خدا ممکن است پشیمان شود و داوری را که تهدید کرده است، نفرستد. چه کسی می‌داند که آیا خدا روی برنمی‌گرداند؟ اگر آنها به سوی خدا روی آورند، خدا نیز خواهد گرداند، و خدا پشیمان خواهد شد و برکتی، هدیه‌ای آردی و هدیه‌ای نوشیدنی برای خداوند، خدای شما، به جا خواهد گذاشت.

بنابراین، اگر آنها این اجتماع مقدس را فرا بخوانند، اگر واقعاً توبه کنند، اگر قلب‌هایشان را بشکنند و فقط نوعی مراسم را انجام ندهند، اگر واقعاً به سوی خدا بازگردند، این ارتش دشمن که از سرزمین عبور خواهد کرد و آن را ویران خواهد کرد، و باز هم، ما نمی‌دانیم این ارتش کیست یا از چه تهدیدی صحبت می‌کند، اگر آنها به خدا گوش دهند، آن داوری قابل دفع است. نکته غم‌انگیز در تاریخ یهودا و در تاریخ اسرائیل این است که آنها این سابقه طولانی در گوش ندادن به کلام خدا دارند، و وقتی امکان توبه نکردن خدا وجود دارد، وقتی این امکان به مردم ارائه می‌شود، بیشتر اوقات از آن استفاده نمی‌کنند. ارمیا می‌رود و خطبه معبد خود را ایراد می‌کند و بعداً قرار است طومار پیشگویی‌های داوری خود را در معبد بخواند با این امید که شاید، شاید، آنها گوش دهند و توبه کنند.

وقتی آنها گوش نمی‌دهند و توبه نمی‌کنند، داوری به شکل حمله بابلی‌ها از راه می‌رسد. نکته شگفت‌انگیزی که در اینجا داریم این است که به نظر می‌رسد این یکی از معدود زمان‌های منتخبی است که مردم یهودا، هشدار نبوی را جدی گرفتند و داوری از آنها دفع شد. بنابراین، در فصل ۲، آیات ۱۶ و ۱۷، روزه بگیرید، جماعت را تقدیس کنید، بزرگان را جمع کنید، کودکان و حتی نوزادان شیرخوار را گرد هم آورید.

منظورم این است که این یک بحران ملی است. همه را از پیر تا جوان بیاورید، و اگر آنها بیایند و اگر قلب خود را به خدا باز کنند، ممکن است خدا منصرف شود و داوری را نفرستد. اکنون، ما هیچ روایت، بیانیه، یادداشت یا روایتی نداریم که نشان دهد مردم واقعاً این کار را انجام داده‌اند.

هیچ چیزی بین آیه ۱۷ و آیه ۱۸ وجود ندارد که نشان دهد این امر انجام شده است. اما از پاسخی که خداوند در آیه ۱۸ می‌دهد، به نظر می‌رسد که مردم آنچه را که پیامبر آنها را به انجام آن فراخوانده بود انجام دادند. و در نتیجه این توبه و در نتیجه فریاد آنها به درگاه خداوند پس از اینکه قبلاً این بلای ملخ را تجربه کرده بودند و داوری بیشتری در راه بود، خداوند منصرف شد و داوری مورد تهدید را نفرستاد.

به آنچه آیه ۱۸ می‌گوید گوش دهید. آنگاه خداوند بر سرزمین خود غیرت ورزید و بر قوم خود ترحم نمود خداوند پاسخ داد و به قوم خود گفت: «اینک من غله، شراب و روغن برای شما می‌فرستم و سیر خواهید شد و دیگر شما را در میان قوم‌ها مایه ننگ نخواهم ساخت.»

من شمالی‌ها را از شما دور خواهم کرد. و به نظر من اشاره به شمال، این ایده را تقویت می‌کند که آنچه در فصل دوم در مورد آن صحبت می‌کنیم، یک ارتش است، نه فقط حمله ملخ‌ها. من او را به سرزمینی ویران و متروک خواهم راند.

بنابراین، ما هیچ اظهار نظر خاصی نداریم که آنها جشنواره مقدس را برگزار کردند یا اینکه آنها جمع شدند و به درگاه خدا فریاد زدند. اما تغییر خدا و پاسخ خدا در اینجا نشان دهنده توبه از سوی مردم است. و همانطور که در حال خواندن کتاب یوئیل هستید، چیزی که باید هنگام خواندن این کتاب ببینید این است که فصل ۲، آیه ۱۸ در واقع یک آیه کلیدی در این کتاب است.

چون تا اینجا، همه چیز درباره داوری، گریه، سوگواری، دعوت به روزه و آماده شدن برای آنچه قرار است اتفاق بیفتد، بوده است. آنچه پس از این می‌آید، وعده‌های احیا و این واقعیت است که آنها داوری را دفع خواهند کرد و خدا قرار است در جای داوری به آنها برکت دهد. عبارت مورد علاقه من در مورد این و آنچه خدا قرار است برای مردم انجام دهد، در آیه ۱۵ یافت می‌شود.

... من سال‌هایی را که ملخ‌های مهاجم خورده‌اند، آن ملخ‌هایی که با خود آورده

و شما به جای داوری و نفرین، از برکت لذت خواهید برد. بسیار خوب، فکر می‌کنم بهترین راه برای خواندن این متن این است که پاسخ خدا را به توبه واقعی مردم داشته باشیم. لسانی آلن می‌گوید، حتی بدون سابقه صریح توبه، قرار است فرض کنیم که درخواست‌های جوئل در نهایت موفقیت‌آمیز بوده است.

سرانجام، مردم به پیامبر گوش فرا دادند. ظاهراً مردم برای مراسم ملی روزه و سوگواری گرد هم آمدند و کاهن به نمایندگی از یک جامعه واقعاً توبه‌کار دعا کرد. و به همین دلیل، خداوند پاسخ داد و داوری را به همان روشی که خداوند از طریق موعظه یونس منصرف شد و مردم نینوا را نابود نکرد، نفرستاد.

این اتفاق در یوئیل فصل ۲ رخ می‌دهد. همانطور که وقتی میکاه گفت اورشلیم با خاک یکسان خواهد شد و خود کوه معبد به تلی از آوار تبدیل خواهد شد، وقتی حزقیای توبه کرد، ارمیا ۱۷:۲۶ تا ۱۹، خدا منصرف شد و داوری را نفرستاد. با این حال، یکی از مشکلاتی که در اینجا داریم این است که این احتمال که آیه ۱۸ پاسخ خدا به آنچه مردم انجام دادند را توصیف می‌کند، در واقع تنها یکی از تفاسیری است که برای این آیه ارائه شده است. و مسئله اینجا مربوط به صیغه‌های فعل خاصی است که در آیه ۱۸ داریم.

ما شکلی از فعل ناقص عبری داریم که قبل از آن یک حرف ربط، یعنی واو، قرار دارد. بنابراین، چگونه قرار شناخته می‌شوند، بخوانیم؟ دو تفسیر متفاوت (vayiktol) است این شکل‌ها را که به عنوان افعال وایکتول از این وجود دارد. تعدادی از مفسران قصد دارند این‌ها را نه به عنوان وقایع روایی گذشته که خدا انجام داده است، ترجمه کنند، بلکه آن‌ها را به عنوان افعال کامل نبوی می‌خوانند.

و این یکی از راه‌هایی است که می‌توان این ساختار خاص را تفسیر کرد. اینها به عنوان نبوت‌های کامل تفسیر می‌شوند، که در آن توصیفی از آنچه خدا برای مردم در پاسخ به توبه‌شان انجام داد، نیست، بلکه صرفاً وعده‌ای است از آنچه خدا در نهایت برای مردم در زمان احیای آینده انجام خواهد داد. و بنابراین برخی از مفسران در واقع این متن را به این شکل تفسیر می‌کنند.

این یک روایت نیست، شرحی از کاری که خدا برای مردم انجام داده نیست. در نهایت، این کاری است که خدا قرار است انجام دهد. و این حتی در برخی از ترجمه‌های انگلیسی ما نیز منعکس شده است.

کینگ جیمز، نسخه بین‌المللی جدید، استاندارد آمریکایی جدید، آنها اساساً این‌ها را به عنوان نبوت‌های کامل می‌خوانند. بنابراین، این فعل می‌تواند در اینجا برای تأکید بر این ایده که ما در مورد یک رویداد آینده صحبت می‌کنیم، استفاده شود، اما با فعلی بیان می‌شود که معمولاً در مورد چیزهایی در گذشته صحبت می‌کند تا بر قطعیت تحقق نهایی تأکید کند. به همان خوبی که گویی خدا قبلاً آن را انجام داده است، زیرا خدا به وعده خود عمل می‌کند.

تعدادی از مفسران این رویکرد را اتخاذ می‌کنند و افعال وایکتول را به این شکل درک می‌کنند. ناگوسکی استوارت و سوینی در تفاسیر خود، این افعال را به عنوان وعده‌هایی در مورد آنچه خدا قرار است انجام دهد، می‌دانند. با این حال، مفسران دیگر، و من هم در اینجا به این موضوع می‌پردازم، به این واقعیت توجه دارند که استفاده عادی از وایکتول برای توصیف چیزی است که ما آن را «پیش از وقوع» می‌نامیم.

این به عنوان یک فعل کمکی برای صحبت در مورد وقایع گذشته یا ثبت وقایعی که در یک روایت و داستان رخ داده است، استفاده می‌شود. حال، ممکن است بگویید، خوب، ما واقعاً اینجا روایت و داستانی نداریم. اما چیزی که نویسنده‌ای به نام تروکسل در مقاله‌ای در این متن به آن اشاره کرده است که به نظر من بسیار خوب است، این است که ما روایتی در مورد خدمت گذشته یونس داریم.

و این به نوعی در قالب روایت در فصل ۱، آیه ۱، کلام خداوند که بر یوئیل نازل شد، بیان شده است. بنابراین، ما پیام تاریخی گذشته یوئیل را داریم، سپس پیشگویی‌هایی را که یوئیل می‌دهد، و آنچه تروکسل استدلال می‌کند این است که ما در فصل ۲، آیه ۱۸، از سرگیری روایت را داریم. پیام به شکل پیشگویی در زمان حال بیان شده است، اما ما در مورد آنچه اتفاق افتاده است صحبت می‌کنیم، همانطور که یوئیل در اینجا موعظه می‌کند.

و خداوند برای آن سرزمین به غیرت آمد. او بر مردم رحم کرد. او به مردم پاسخ داد و گفت: «این کاری است که می‌خواهم برای شما انجام دهم.»

و در کتاب مقدس اینترنی و با این برداشت از این موضوع، ما در مورد وعده‌های ESV و بنابراین، در خداوند برای حسادت کردن، وعده‌های خداوند برای ترحم کردن صحبت نمی‌کنیم، بلکه در مورد این واقعیت صحبت می‌کنیم که خداوند واقعاً این کار را انجام داده است. و باز هم، این واقعیت که افعال یا گذشته روایی preterit این شکل خاص از فعل ناقص با حرف ربط، معمولاً برای بیان ، vayiktol استفاده می‌شود که به نظر می‌رسد محتمل‌ترین قرائت از این باشد. علاوه بر این، در آیه 20، در آیه 28، این را می‌گویید، و بعداً اتفاق خواهد افتاد.

و بنابراین، این به دنبال برکتی است که در آینده فراتر از برکت فوری که خداوند در پاسخ به توبه قومش خریداری کرده است، اتفاق خواهد افتاد. بنابراین، مفسران و مفسران و حتی ترجمه‌های انگلیسی ما، به روش‌های مختلفی آن را تفسیر می‌کنند؛ یوئیل فصل ۲، آیات ۱۸ تا ۲۷ را بخوانید. اما من فکر می‌کنم بهترین راه برای خواندن این مطلب این است که ما در اینجا شرحی از جایی که مردم به خدا پاسخ می‌دهند و در اینجا نحوه‌ای که خداوند در نهایت وعده می‌دهد که آنها را در پرتو توبه و پاسخشان به او برکت دهد داریم.

بنابراین، وعده‌ای که اینجا داده شده این است که خدا آنچه را که در بلای ملخ از دست داده‌اند، به آنها باز خواهد گرداند. نفرین‌های عهد به برکات عهد تبدیل خواهند شد. بسیار خوب، فراتر از احیای فوری، و ما قبلاً این را دیده‌ایم، فکر می‌کنم، در پیشگویی‌های حبی و زکریا، برکتی فراتر از کارهای فوری که خدا برای جامعه پس از تبعید انجام می‌دهد، وجود دارد.

حتی اگر کتاب یوئیل را به عنوان کتابی که قبل از تبعید نوشته شده است در نظر بگیریم، برکات نهایی وجود دارد. یک برکت نهایی، یک احیای نهایی که فراتر از هر کاری است که خدا قرار است در آینده نزدیک برای قوم خود انجام دهد. و این موضوع، محور اصلی سخنان پیامبر در یوئیل فصل ۲، آیات ۲۸ تا ۳۲ می‌شود.

و من می‌خواهم به آن نگاه کنم. می‌خواهم به طور خلاصه به آن متن نگاه کنم. یوئیل فصل ۲، آیات ۲۸ تا ۳۲ می‌گوید: «بعد از این برکات فوری و پس از اینکه این را معکوس کنم، در زمانی نامشخص در آینده‌ای ۳۲، دور، روح خود را بر تمام بشر خواهم ریخت.»

پسران و دختران شما نبوت خواهند کرد، پیران شما خواب خواهند دید. و این ریزش روحی است که در احیای نهایی، در روزهای آخر، رخ خواهد داد. و بنابراین، این فراتر از زمان یوئیل و در انتظار پادشاهی نهایی خداست.

به یاد داشته باشید، یکی از چالش‌های تفسیر پیامبران این است که افق دید آنها تغییر می‌کند. همانطور که آنها به دو کوه نگاه می‌کنند، درباره چیزهایی صحبت می‌کنند که از یکدیگر بسیار دور هستند و گاهی اوقات آنها را به هم پیوند می‌دهند. کوه نزدیک که یوئیل در اینجا می‌بیند، این است که خدا به قوم خود رحم کرد. و به آنها وعده‌هایی داد که قرار است در آینده نزدیک به آنها عمل کند.

اما در نهایت، در روزهای آخر، روح القدس جاری خواهد شد. وقتی کتاب میکاه را مطالعه می‌کردیم، به وعده‌های روزهای آخر نگاهی انداختیم. مدتی را صرف تمرکز بر کتاب یوئیل و وعده‌ای که در اینجا داده شده است، کردیم.

و دیدیم که با پیشروی به سمت زمان عهد جدید، چیزی که می‌فهمیم این است که وعده‌ای که یوئیل در یوئیل ۲:۲۸-۳۲ می‌دهد، اکنون و نه هنوز تحقق یافته است. اکنون، کلیسا از قبل شروع به تجربه ریزش روحی کرده است که خدا برای قوم اسرائیل وعده داده بود. بطرس در روز پنطیکاست می‌گوید، آنچه شما اینجا مشاهده می‌کنید و پدیده‌هایی که اینجا مشاهده می‌کنید، آنچه شما اینجا مشاهده می‌کنید، تحقق یوئیل ۲:۲۸-۳۲ است.

و این تحقق در تمام دوران روزهای آخر کلیسا ادامه خواهد یافت و به پیش خواهد رفت. اما در زمان ظهور دوم مسیح و زمانی که اسرائیل این را تجربه خواهد کرد، به کمال خواهد رسید و برکات کامل عهد تجربه و جاری خواهد شد. حال، در آیه 30 این پیشگویی، آمده است که من در آسمان‌ها و زمین، خون و آتش و ستون‌های دود، شگفتی‌ها را نشان خواهم داد.

خورشید پیش از فرا رسیدن روز بزرگ و شگفت‌انگیز خداوند به تاریکی و ماه به خون تبدیل خواهد شد. بنابراین، این بخش از پیشگویی به نهایی‌ترین، کامل‌ترین و نهایی‌ترین، یعنی روز شگفت‌انگیز خداوند که پیش از پایان همه چیز فرا می‌رسد، می‌پردازد. اما حتی در این بخش از پیشگویی، من معتقدم که ما اکنون عناصری نداریم و هنوز عناصری نداریم.

وقتی پیامبر از تصویر دود و آتش، خورشید که تاریک می‌شود و ماه که به خون تبدیل می‌شود استفاده می‌کند، فکر می‌کنم در اینجا توصیفی استعاری از جنگ داریم. تبدیل شدن ماه به خون ممکن است نمایانگر اتفاقی باشد که با ماه گرفتگی رخ می‌دهد، که ظاهری خون‌آلود به خود می‌گیرد. این نوع رویداد که در آسمان اتفاق می‌افتد، در خاور نزدیک باستان نشانه‌ی نوعی فاجعه طبیعی یا ملی بود که در شرف وقوع بود.

این اغلب مقدمه‌ای برای جنگ یا حمله به ارتش دشمن بود. و بنابراین آنچه یوئیل در اینجا در مورد آن صحبت می‌کند این است که همراه با ریزش روح، فاجعه و مصیبت و جنگ و همه این چیزها وجود خواهد داشت. اما باز هم، فکر می‌کنم وقتی به تحقق آن در عهد جدید نگاه می‌کنیم، احتمالاً هم اکنون و هم هنوز تحقق نیافته است.

یوئیل، در اینجا، از نظر تحقق قریب‌الوقوع و صحبت در مورد روز پنطیکاست، ممکن است در مورد نابودی اورشلیم که در سال ۷۰ میلادی اتفاق می‌افتد صحبت کند. اما در نهایت، کتاب مکاشفه از همین تصویرسازی برای صحبت در مورد داوری‌های فاجعه‌بار نهایی در روز آخر خداوند قبل از زمان آمدن مسیح و آمدن دوم استفاده خواهد کرد. و بنابراین، من فکر می‌کنم هم با ریختن روح و هم با آتش و دود و تبدیل خورشید به تاریکی و تبدیل ماه به خون، تحقق‌های نزدیک و دور از آن نیز وجود دارد.

در یوئیل باب ۳، به نظر می‌رسد افق پیامبر کاملاً به این زمان آینده منتقل می‌شود. و خداوند دوباره قرار است درباره یک داوری نهایی و جهانی صحبت کند که قرار است بر همه ملت‌ها اجرا شود. و در باب ۳ و آیه ۲، این را می‌گوید، خداوند در اینجا درباره یک داوری نهایی صحبت می‌کند، داوری بر ملت‌هایی که در دره یهوشافاط اتفاق خواهد افتاد.

این به معنای شناسایی یک مکان خاص نیست. نام یهوشافاط به معنای داوری خداوند است. و این مکانی خواهد بود که خداوند داوری نهایی خود را بر ملت‌ها اجرا خواهد کرد.

و داوری ملت‌ها، نجات و احیای نهایی اسرائیل را که تنها تا حدی در بازگشت از تبعید محقق شد، به ارمغان خواهد آورد. در فصل ۳، آیه ۱۰، آیه جالبی داریم. همانطور که این ملت‌ها فرود می‌آیند، قصد دارند با اسرائیل جنگ کنند.

یک نبرد آخرالزمانی وجود دارد. و خدا قرار است این ملت‌ها را بیاورد، هم برای پاکسازی اسرائیل در یک داوری نهایی دیگر، و هم در نهایت برای داوری ملت‌ها. به آنچه در فصل ۳، آیه ۱۰ آمده است گوش دهید.

می‌گوید: «گاواهن‌های خود را به شمشیر و اژه‌های خود را به نیزه تبدیل کنید، و بگذارید ضعیفان بگویند من جنگجو هستم.» ما دقیقاً برعکس چیزی را می‌بینیم که در فصل ۴ کتاب میکاه به عنوان چشم‌انداز آخرالزمانی به ما داده شده است. در آنجا، ملت‌ها شمشیرهای خود را به گاواهن تبدیل خواهند کرد و دیگر جنگ را نخواهند آموخت. در نهایت، این همان چیزی است که در پادشاهی آینده اتفاق خواهد افتاد.

اما پیش از آن، ملت‌ها برعکس عمل خواهند کرد. آنها گاواهن‌های خود را به شمشیر تبدیل خواهند کرد و ابزار کشاورزی خود را به سلاح تبدیل خواهند کرد. و همه اینها به داوری نهایی منجر خواهد شد که سرانجام صلح جهانی را که خداوند در میکاه فصل ۴ وعده داده است، به ارمغان خواهد آورد. نجات اسرائیل در نتیجه این روز پایانی خداوند، فصل ۳، آیات ۱۴ و ۱۵، محقق خواهد شد.

انبوه مردم، انبوه مردم در دره داوری، زیرا روز خداوند، در دره داوری نزدیک است. اکنون، روز خداوند نزدیک است. نه فقط داوری بر یهودا، نه فقط چیزی که قرار است در آینده نزدیک اتفاق بیفتد.

اما داوری خداوند بر همه قوم‌ها در روز آخر خداوند نزدیک است. خورشید و ماه تاریک می‌شوند و ستارگان ناپدید می‌شوند، اما آنها می‌درخشند.

و خداوند از صهیون غرش خواهد کرد. در بحبوحه همه اینها، و در بحبوحه همه این فاجعه و مصیبت خداوند اسرائیل را در داوری پاک خواهد کرد و در نهایت بازماندگانی را که به وعده‌های عهد خود عمل می‌کنند، نجات خواهد داد. و در بحبوحه این هرج و مرج و فاجعه، همانطور که یوئیل می‌گوید، کسانی که نام خداوند را می‌خوانند نجات خواهند یافت.

و بنابراین، در میان تمام این فاجعه و هرج و مرجی که در جریان است، امید، پیشنهاد و وعده نجات وجود دارد. تصویری که از نبرد آخرالزمانی در یوئیل فصل ۳ به ما ارائه می‌شود، بخشی از رؤیای نبوی عهد عتیق به طور کلی است. می‌توانیم این متن را در یوئیل فصل ۳ در نظر بگیریم، همانطور که خدا ملت‌ها را گرد هم می‌آورد.

می‌توانیم آن را با آیات ۵ تا ۹ از باب ۵ کتاب میکاه مقایسه کنیم. می‌توانیم آن را با رؤیای یاجوج و ماجوج در باب‌های ۳۸ و ۳۹ کتاب حزقیال مقایسه کنیم. می‌توانیم آن را با پاکسازی ملت‌ها که برای نجات همه مردم

توسط خداوند در باب ۳ آیات ۸ و ۹ رخ می‌دهد، مقایسه کنیم. شرح مفصل‌تری از این نبرد آخرالزمانی را در زکریا باب ۱۲ آیات ۱ تا ۹ و سپس در زکریا باب ۱۴ و در کل آن باب می‌بینیم. زکریا باب ۱۴ درباره داوری‌ای که قرار است بر یهودا نازل شود و شهر مورد تهاجم قرار خواهد گرفت، صحبت می‌کند.

مردم به تبعید برده خواهند شد. به زنان تجاوز خواهد شد. زمانی فرا خواهد رسید که دو سوم مردم از سرزمین اسرائیل پاکسازی می‌شوند، اما در نهایت خداوند مداخله خواهد کرد.

او بر کوه زیتون فرود خواهد آمد و قوم خود را نجات خواهد داد. و سپس حتی بازماندگان ملت‌ها نیز برای پرستش خداوند خواهند آمد. بنابراین، این ایده نبرد آخرالزمانی بخشی از بینش نبوی عهد عتیق است.

این آیه، هنگامی که در مکاشفه ۱۶ و ۱۹ درباره نبردی که در دره مجدو در آرماگدون رخ خواهد داد صحبت می‌کند، بینش نبوی عهد جدید را آگاه می‌سازد. مکاشفه بر درک ما از این نبرد آخرالزمانی که در خود عهد عتیق یافت می‌شود، بنا شده و به آن می‌افزاید. همچنین در پایان فصل ۲۰ مکاشفه، نبرد نهایی وجود دارد که در آن شیطان به طور کامل و تمام نابود خواهد شد.

بنابراین، چشم‌انداز نبرد آخرالزمانی بین اسرائیل و ملت‌ها در عهد عتیق یافت می‌شود و در عهد جدید برای ما کامل شده است. هدف از این نبرد، داوری ملت‌ها، پاکسازی اسرائیل از گناهانشان، تطهیر ملت‌ها به گونه‌ای است که آنها نیز بتوانند در پادشاهی خدا گنجانده شوند، شکست نهایی شر و نیروهای شر، از جمله خود شیطان، و در نهایت پاکسازی راه برای پادشاهی صلح است که در آن سرانجام شمشیرها به گاو آهن تبدیل می‌شوند و امید نهایی همه اینها صلح در غیاب جنگ است. بنابراین، من فکر می‌کنم وقتی به آینده نبوی و آنچه قرار است اتفاق بیفتد نگاه می‌کنیم، ایده نبرد آخرالزمانی که در آن خدا ملت‌ها را داوری خواهد کرد، بخشی از تصویر است.

و در جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم و حتی اتفاقاتی که شاید امروز در خاورمیانه در حال رخ دادن باشد تصور وقوع چنین چیزی دشوار نیست. اما یکی از چیزهایی که باید مراقب آن باشیم این است که اغلب وقتی به این متون نبوی نگاه می‌کنیم، تمایلی در برداشتهای رایج از این متون وجود دارد که می‌خواهند آنها را بیش از حد به وقایع معاصر مرتبط کنند. ایان دوگید، در تفسیر خود بر کتاب حزقیال، خاطرنشان می‌کند که چگونه دشمنان یاجوج و ماجوج در طول تاریخ کلیسا با هر گروهی از مردم که در آن زمان دشمنان اصلی کلیسا بوده‌اند، یکی دانسته شده‌اند.

در قرن چهارم میلادی، امبروز آنها را با گوت‌ها یکی دانست. در قرن هفتم، آنها اعرابی بودند که به سرزمین مقدس حمله کردند. در قرن سیزدهم، آنها را لشکرهای مغول دانستند.

در قرن هفدهم، آنها پاپ، ترک‌ها یا امپراتور روم بودند. در قرن نوزدهم، این دیدگاه وجود داشت که در جنگ سرد نیز ادامه یافت که روس‌ها مقصر بودند. و من وقتی در روسیه به پیامبران درس می‌دادم، برخی از دانشجویان از من می‌پرسیدند، چرا شما آمریکایی‌ها همیشه می‌گویید که ما یاجوج و ماجوج هستیم؟ اخیراً، این با کشورهای اسلامی که خود را علیه آن متحد می‌کنند، یکی دانسته شده است.

هدف این متون نبوی کمک به ما در شناسایی دشمن نیست. ما در واقع به یک شورش جهانی علیه خدا نگاه می‌کنیم. آیا این شامل ایالات متحده نیز خواهد شد؟ ما نمی‌دانیم.

آیا ایالات متحده اصلاً در آن زمان حضور خواهد داشت؟ پیشگویی به این سوال پاسخ نمی‌دهد. این پیشگویی کنجکاوی ما را در مورد انواع چیزهای دیگری که دوست داریم در مورد چگونگی اجرای این داوری

بدانیم، ارضا نمی‌کند. اما به ما یادآوری می‌کند که داوری نهایی وجود خواهد داشت و می‌توانیم اعتماد کنیم که خداوند در نهایت پادشاهی صلح خود را برقرار خواهد کرد.

من و ایان دوگید با نقل قولی در مورد کل این ایده نبرد آخرالزمانی بحث را به پایان می‌رسانیم. و او این را در مورد حزقیال ۳۸ تا ۳۹ می‌گوید. من فکر می‌کنم این در مورد تمام این قسمت‌هایی که از یوئیل فصل ۳ و مکاشفه فصل ۱۶ ذکر کردیم صدق می‌کند.

این قسمت‌ها در مورد چیستند. این پیام‌ها، پیام‌های رمزگذاری شده برای کسانی که در آخرالزمان زندگی می‌کنند، نیستند، کسانی که با رمزگشایی دقیق اسرار آن، قادر خواهند بود هویت نمادین شرکت‌کنندگان در نبرد نهایی را تعیین کنند. بلکه، این کلام، تشویقی برای همه مردم و همه مقدسین در همه زمان‌ها و مکان‌ها است که مهم نیست نیروهای شر چه کاری انجام دهند، هدف خدا و پیروزی خدا در نهایت تضمین شده است.

و ما می‌توانیم در این مورد آرام بگیریم. خداوند در روزگار یوئیل، قوم اسرائیل را داوری کرد. سپس به دلیل توبه آنها، از فرستادن داوری بیشتر منصرف شد و قول داد که سرانجام روزی روح خود را بر آنها نازل خواهد کرد.

در نهایت، او روزی ملت‌ها را داوری خواهد کرد و در نهایت، پادشاهی صلح خود را به ارمغان خواهد آورد. مردم زمان یوئیل می‌توانستند با امید و انتظار به آن وعده چشم بدوزند، و ما نیز می‌توانیم همین کار را انجام دهیم زیرا می‌دانیم که خدا به وعده‌های عهدی که به قوم خود داده و به طرح خدا برای تاریخ نجات و هدف پادشاهی صلح که وعده داده است، وفادار است. خدا قدرت، توانایی و حاکمیت لازم برای تحقق این امور را دارد.

ما می‌توانیم به آن اعتماد کنیم. می‌توانیم به وعده‌های خدا اطمینان داشته باشیم.

این دکتر گری یتس در حال تدریس در مورد کتاب دوازدهم است. این جلسه ۲۹ در مورد کتاب یوئیل است.